

زندگی خود را چگونه می‌سنجید؟

نظریه‌هایی برای موفقیت و تعادل در کسب و کار و زندگی

کلیتون ام کریستنسن - جیمز آلورث - کارن دیلون

محمدعلی مدنی

زندگی خود را چگونه می‌سنجید؟

سرشناسه: کریستنسن، کلیتون ام، ۱۹۵۲-۲۰۲۰م
 عنوان: زندگی خود را چگونه می‌سنجید؟
 نظریه‌هایی برای موفقیت و تعادل در کسب و کار و
 زندگی/کلیتون ام. کریستنسن، جیمز آلورث، کارن
 دیلون: مترجم محمدعلی مدنی.
 پدیدآور: کلیتون ام کریستنسن
 مشخصات نشر: تهران، تصمیم ۱۴۰۲
 مشخصات ظاهری: ۲۳۴ صفحه،
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۰۴۳۳-۱-۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 عنوان اصلی: **How will you measure your
 life?.**[2012].
 موضوع: اندیشه و تفکر خلاق
 موضوع: خلاقیت هنری
 شناسه افزوده: نشر تصمیم
 رده بندی کنگره: BF۶۳۷
 رده بندی دیویی: ۱۵۸/۱
 شماره کتاب‌شناسی: ۹۴۰۳۱۵۵

نویسنده	کلیتون ام کریستنسن، جیمز آلورث، کارن دیلون
سال/نوبت/تیراژ	۱۴۰۲ چاپ اول ۳۰۰ جلد
چاپ و صحافی	چاپ روز
مترجم	محمدعلی مدنی
طراح جلد	میثم مدنی
قیمت	۲۲۰ هزار تومان
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۰۴۳۳-۱-۸



فهرست مطالب

۵	مقدمه	
۱۳	فقط چون پروبال داری...	
۲۹	چه چیزی باعث می‌شود کار کنیم	بخش اول:
۴۷	تبادل بین حساب‌گری و در نظر گرفتن شانس	یافتن خوشبختی در
۶۹	راهبرد شما آن چیزی نیست که می‌گویید	مسیر شغلی
۹۱	تیک‌تاک ساعت	بخش دوم:
۱۰۷	آن میلک‌شیک را برای چه کاری استخدام کردید؟	یافتن خوشبختی در
۱۲۹	کشتیرانی بچه‌های شما در کشتی تسئوس	روابط خود
۱۵۱	مدارس تجربه	
۱۷۱	دست نامرئی در خانواده شما	
۱۸۹	فقط این دفعه...	بخش سوم:
۲۰۵	سخن پایانی	بیرون ماندن از زندان
۲۱۹	قدردانی	
۲۳۳	درباره نویسندگان	

مقدمه

من در دانشکده کسب و کار هاروارد به صورت دوره‌ای تدریس می‌کنم. معمولاً در آخرین روز دوره، چیزی را به دانشجویان می‌گویم که خود در زمان فارغ‌التحصیلی شاهد آن بودم. درست مثل مدارس دیگر، هر پنج سال یک‌بار تجدید دیدار می‌کنیم و عکس‌های جذابی می‌گیریم. هاروارد در جذب دانش‌آموختگان خود (که سرمایه‌گذاران اصلی آن هستند) برای این رویدادها، عالی عمل می‌کند. فرش قرمز پهن‌شده و مجموعه‌ای از سخنرانان دعوت می‌شوند. مجمع سال پنجم من نیز از این قاعده مستثنی نبود و حضور گسترده‌ای داشتیم. وقتی به اطراف نگاه می‌کردیم، همه بسیار آراسته و مرفه به نظر می‌رسیدند. همگی احساس می‌کردیم که واقعاً بخشی از یک اتفاق خاص هستیم.

واضح است که ما دلایل زیادی برای جشن‌گرفتن داشتیم. به نظر می‌رسید هم‌کلاسی‌های من خیلی خوب کار می‌کنند. آن‌ها مشاغل فوق‌العاده‌ای داشتند. برخی در مکان‌های دور و یا شرکت‌های خارجی کار می‌کردند. بیشتر آن‌ها موفق شده بودند با همسرانی بسیار زیباتر از خودشان ازدواج کنند. به نظر می‌رسید زندگی آن‌ها در هر سطحی که هست فوق‌العاده باشد.

اما در دهمین دیدار ما، مواردی که هرگز انتظارش را نداشتیم به طور فزاینده‌ای رایج شد. تعدادی از هم‌کلاسی‌هایم که منتظر دیدنشان بودم نیامدند و نمی‌دانستم چرا. به تدریج، با آن‌ها تماس می‌گرفتم و یا با پرس‌وجو از دوستان دیگر، مثل یک پازل قطعات را کنار هم قرار می‌دادم تا از حالشان باخبر شوم. در میان هم‌کلاسی‌های من، مدیران شرکت‌های مشاوره و مالی مشهوری مانند شرکت مک‌کینزی^۱ و گلدمن ساکس^۲ حضور

1 McKinsey & Co

2 Goldman Sachs

چطور زندگی خود را اندازه بگیریم؟

داشتند. بعضی از آن‌ها در راه رسیدن به جایگاه‌های برتر در شرکت‌های فورچون ۳۵۰۰ بودند. برخی، کارآفرینان به‌شدت موفق و تعدادی نیز درآمد بسیار زیادی داشتند.

با وجود چنین دستاوردهای حرفه‌ای، خیلی از آن‌ها به‌وضوح ناراضی بودند.

بسیاری از هم‌کلاسی‌هایم علی‌رغم موفقیت حرفه‌ای‌شان، از کار خود لذت نمی‌بردند. داستان‌های متعددی از طلاق یا ازدواج‌های ناخوشایند می‌شنیدم. به یاد می‌آورم که یکی از آن‌ها سال‌ها با فرزندانش صحبت نکرده بود و اکنون جدا از آن‌ها زندگی می‌کرد. یکی دیگر، از زمان فارغ‌التحصیلی تا آن روز در سومین ازدواجش بود.

هم‌کلاسی‌های من نه‌تنها برخی از باهوش‌ترین افرادی بودند که می‌شناختم، بلکه تقریباً شایسته‌ترین آدم‌ها نیز بودند. آن‌ها در زمان فارغ‌التحصیلی، برای آنچه که می‌خواستند به دست بیاورند برنامه‌ها و چشم‌اندازهایی داشتند. نه فقط در شغل، بلکه در زندگی شخصی خود. با این حال برای برخی از آن‌ها در طول مسیر مشکلی پیش‌آمده بود. روابط شخصی‌شان شروع به بدتر شدن کرده بود. حتی با وجود شکوفاشدن چشم‌اندازهای حرفه‌ای آن‌ها. احساس کردم خجالت می‌کشند که تفاوت مسیر زندگی شخصی و حرفه‌ای خود را برای دوستانشان توضیح دهند.

در آن زمان گفتم، شاید این مورد، اتفاقی باشد. نوعی بحران میان‌سالگی. اما در دیدارهای بیست و پنج و سی‌ساله ما، مشکلات بدتر شده بود. یکی

از هم‌کلاسی‌هایم جفری اسکیلینگ^۴، به‌خاطر نقش داشتن در رسوایی انرون^۵ به زندان افتاده بود.

من جفری اسکیلینگ را از سال‌های «I-IBS^۶» می‌شناختم. مرد خوبی بود. باهوش بود. سخت‌کار می‌کرد و خانواده‌اش را دوست داشت. او یکی از جوان‌ترین شرکا در تاریخ شرکت مک‌کینزی بود. بعداً به‌عنوان مدیرعامل انرون در یک سال، بیش از ۱۰۰ میلیون دلار درآمد کسب کرد. اما زندگی خصوصی او چندان موفق نبود. ازدواج اولش به طلاق ختم شد. من به‌هیچ‌عنوان جریان فساد مالی او را که در رسانه‌ها به تصویر کشیده می‌شد و روزبه‌روز برجسته‌تر می‌شد، باور نمی‌کردم. با این حال هنگامی که تمام دوران حرفه‌ای او با محکومیت به چندین اتهام فدرال، مربوط به فروپاشی مالی انرون تمام شد، نه‌تنها من را شوکه کرد که او اشتباه کرده، بلکه چقدر باورنکردنی این کار را انجام داده است. چیزی به‌وضوح او را در مسیر اشتباهی قرار داده بود.

نارضایتی شخصی، شکست‌های خانوادگی، مبارزات حرفه‌ای، حتی رفتار مجرمانه، این مشکلات به هم‌کلاسی‌های من در I-IBS محدود نمی‌شد. در سال‌های پس از اتمام تحصیلاتمان به‌عنوان دانش‌پژوهان رودز^۷ در دانشگاه آکسفورد^۸، همین اتفاق را برای هم‌کلاسی‌هایم دیدم. برای اینکه فرصت دانش‌پژوهی به هم‌کلاسی‌هایم داده شود، باید برتری تحصیلی فوق‌العاده‌ای را از خود نشان می‌دادند. عملکرد برتر در فعالیت‌های فوق‌برنامه مانند ورزش، سیاست و یا نوشتن. همچنین باید کمک‌های قابل‌توجهی به جوامع

4 Jeffrey Skilling

5 Enron

6 Irritable bowel syndrome

7 Rhodes

8 Rhodes

چطور زندگی خود را اندازه بگیریم؟

خود می‌کردند. این‌ها افراد خوش ذوق و موفقی بودند که به‌وضوح چیزهای زیادی برای ارائه به جهان داشتند.

اما باگذشت سال‌ها، برخی از سی و دو هم‌کلاسی من در رودز نیز ناامیدی مشابهی را تجربه کردند. همان‌طور که در کتاب (لانه دزدان^۹) ذکر شده است، یکی نقش مهمی در یک رسوایی بزرگ تجارت داخلی داشت. یکی دیگر به دلیل رابطه جنسی با نوجوانی که در کمپین سیاسی او کار کرده بود، به زندان افتاد. درحالی‌که او در آن زمان متأهل و دارای سه فرزند بود. کسی که فکر می‌کردم در حوزه‌های شغلی و خانوادگی‌اش، آینده درخشانی خواهد داشت، در هر دو زمینه (ازجمله بیش از یک طلاق) با مشکل مواجه شده است.

مطمئنم که هیچ‌یک از این افراد با راهبرد عمدی برای طلاق یا ازدست‌دادن ارتباط با فرزندانشان فارغ‌التحصیل نشده‌اند. یا حتی برای به زندان افتادن. با این حال این همان راهبرد دقیقی است که بسیاری از آن‌ها در نهایت اجرا کردند.

نمی‌خواهم شما را مأیوس کنم. در کنار این ناامیدی‌ها، بسیاری از هم‌کلاسی‌هایم هستند که زندگی شخصی مثال‌زدنی دارند. آن‌ها واقعاً الهام‌بخش بوده‌اند. اما زندگی ما به پایان نرسیده و زندگی فرزندانمان هم‌اکنون در حال شکوفاشدن است. درک علت مشکلاتی که برخی از هم‌کلاسی‌هایم را به دام انداخته، بسیار مهم است. نه فقط برای افرادی که از مسیر برنامه‌ریزی‌شده خود خارج شده‌اند، بلکه برای کسانی که زندگی آن‌ها هنوز در مسیر درست است. همچنین اشخاصی که سفرشان تازه شروع شده است. همه ما در برابر نیروها و تصمیماتی آسیب‌پذیر قرار داریم. این تصمیمات، بسیاری را از مسیر خارج کرده است.

من تاکنون از بسیاری جهات، جزء انسان‌های خوش‌شانس بوده‌ام. به‌خاطر همسر فوق‌العاده‌ام، کریستین^{۱۰}. او به ما کمک کرده تا آینده را با هوشیاری قابل توجهی ببینیم. قطعاً احمقانه است که من این کتاب را بنویسم و اعلام کنم، هر کس تصمیمات ما را تکرار کند خوشحال و موفق خواهد بود. در عوض هنگام نوشتن این کتاب، از رویکردی پیروی کردم که شاخص تحقیقات مدیریتی‌ام بود.

دانش‌آموزانم را نیز درگیر این تلاش کرده‌ام. ما در دوره MBA^{۱۱}، نحوه ساختن و پایداری یک شرکت موفق را ارائه می‌دهیم. همچنین نظریه‌هایی را در رابطه با ابعاد مختلف شغل مدیران کل مطالعه می‌کنیم. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که چه مواردی باعث وقوع اتفاق‌ها می‌شود و چرا. هنگامی که دانشجویان این نظریه‌ها را درک می‌کنند، آن‌ها را در موقعیت چالشی قرار می‌دهیم. مثلاً یک مورد خاص در یک شرکت. سپس در مورد آنچه هر یک از نظریه‌ها می‌تواند به ما بگوید بحث می‌کنیم. در مورد چرایی و چگونگی پدید آمدن مشکلات و فرصت‌ها در شرکت. در مرحله بعد، از نظریه‌ها برای پیش‌بینی مشکلات و فرصت‌هایی که در آینده برای آن شرکت رخ می‌دهد استفاده می‌کنیم. همچنین برای پیش‌بینی اقداماتی که مدیران برای رسیدگی به آن‌ها باید انجام دهند.

با انجام این کار، دانشجویان یاد می‌گیرند که یک نظریه قوی می‌تواند توضیح دهد که چه چیزی در سلسله مراتب کسب‌وکار رخ می‌دهد. در صنایع، در شرکت‌های درون آن صنایع، در واحدهای تجاری درون آن شرکت‌ها و در تیم‌های درون آن واحدهای تجاری.

10 Christine

11 Master of Business Administration

چطور زندگی خود را اندازه بگیریم؟

اخيراً در آخرين روز كلاس، درباره آنچه اغلب براي فارغ‌التحصيلانمان اتفاق مي‌افتد، صحبت كردم. سپس بحث را يك گام جلوتر برديم و به اساسي‌ترين عنصر سازمان‌ها يعني افراد رسيديم. براي اين بحث به جاي استفاده از مشاغل، از خودمان به عنوان مطالعات موردی استفاده مي‌كنيم.

من با سابقه بيشترى نسبت به دانشجويانم در اين بحث‌ها شركت مي‌كنم. اما پيرو همان قوانين هستم. ما آنجا هستيم تا اتفاق‌هايي كه تئوري‌ها (درنتيجه تصميمات و اقدامات مختلف) براي ما پيش‌بيني مي‌كنند را بررسي كنيم. نه اينكه صرفاً كشف كنيم كه چه اتفاقي را اميدواريم برايمان بيفتد. از آنجايي كه اين بحث‌ها را در طول سال‌ها انجام داده‌ام، بيشتر از هر گروه ديگري از دانشجويانم در مورد اين مسائل ياد گرفته‌ام. با اين حال حتي داستان‌هايي در مورد چگونگي عمل كرد اين نظريه‌ها در زندگي خودم را براي نمره دادن به اشتراك گذاشته‌ام.

براي كمك به ساختار اين بحث، تئوري‌هايي را كه مطالعه کرده‌ايم در بالای تخته‌سياه مي‌نويسم. سپس سه سؤال ساده را در کنار اين نظريه‌ها يادداشت مي‌كنيم:

چگونه مي‌توانم مطمئن باشم كه:

- آيا در حرفه‌ام موفق و خوشحال خواهم شد؟
 - آيا روابطم با همسر، فرزندان، اقوام و دوستان نزديكم به منبعي پايدار براي خوشبختي تبديل مي‌شود؟
 - آيا با صداقت زندگي مي‌كنم و از زندان رفتن در امان مي‌مانم؟
- اين پرسش‌ها ممكن است ساده به نظر برسند، اما سؤالاتي هستند كه بسياري از هم‌كلاسي‌هايم هرگز نپرسيده‌اند. يا شايد پرسيده‌اند؛ اما مسير درستي كه آموخته بودند را گم كردند.

سال به سال از اینکه تئوری‌های این دوره، چگونه مسائل زندگی شخصی ما را روشن می‌کنند شگفت‌زده می‌شوم. مانند شرکت‌هایی که ما مطالعه کرده‌ایم. در این کتاب سعی می‌کنم برخی از بهترین دیدگاه‌های دانشجویانم را که در آخرین روز کلاس در مورد آن‌ها بحث کرده‌ام، خلاصه کنم.

در بهار ۲۰۱۰، از من خواسته شد که نه فقط با دانشجویان کلاس خودم، بلکه با کل دانشجویان فارغ‌التحصیل صحبت کنم. آن روز اوضاع کمی متفاوت بود. برای سخنرانی روی سکو ایستاده بودم. این در حالی بود که به‌خاطر شیمی درمانی، موهای کم‌پشتی داشتم. برای حاضرین توضیح دادم، به لنفوم فولیکولی^{۱۲} مبتلا شده‌ام. همان سرطانی که پدرم را کشته است. در این سخنرانی می‌توانستم آنچه من و شاگردانم از تمرکز این نظریه‌ها بر خودمان آموخته بودیم را جمع‌بندی کنم. از این بابت از حضار سپاسگزاری نمودم. سپس در مورد مسائلی صحبت کردم که از همه مهم‌تر هستند. نه فقط زمانی که مثل من با یک بیماری تهدیدکننده زندگی روبرو هستید. بلکه هر روز، برای همه ما. آن روز، به اشتراک گذاشتن افکارم با دانشجویانی که می‌خواستند راه خود را در جهان باز کنند، تجربه‌ای قابل توجه بود.

جیمز آلورث آن ترم در کلاس من و همان روز نیز در بین مخاطبان بود. کارن دیلون نیز سخنانم را در سمت سردبیر مجله (بررسی کسب‌وکار هاروارد^{۱۳}) شنید. هر دو بسیار تحت‌تأثیر این موضوع قرار گرفتند. بعداً از آن‌ها خواستم به من کمک کنند تا احساسی را که مردم آن روز در تالار باردن^{۱۴} در محوطه دانشکده بازرگانی هاروارد داشتند، به مخاطبان بیشتری منتقل کنم.

12 follicular lymphoma

13 Harvard Business Review

14 Burden Hall

چطور زندگی خود را اندازه بگیریم؟

ما از سه نسل مختلف هستیم. طبیعتاً باورهای کاملاً متفاوتی در مورد زندگی خود داریم. جیمز اخیراً فارغ‌التحصیل مدرسه بازرگانی است. او با اطمینان می‌گوید که به وجود خداوند اعتقادی ندارد. من، پدر و پدربزرگی باایمان عمیق هستیم. هم‌اکنون در سومین کار حرفه‌ای خود به سر می‌برم. کارن مادر دو دختر است. سابقه بیست‌ساله در سمت سردبیری دارد. او می‌گوید که اعتقاد و باورهایش جایی بین ماست.

ولی هر سه نفرمان در هدفی متحد هستیم. این هدف، کمک به شما برای درک نظریه‌های این کتاب است. زیرا معتقدیم این نظریه‌ها می‌توانند دقتتان را تقویت کنند. دقتی که با آن می‌توانید زندگی خود را بررسی کنید و بهبود ببخشید. کتاب را از زبان من نوشته‌ایم. چون غالباً این‌گونه با دانشجویان و فرزندانم در مورد تفکر ذکرشده، صحبت می‌کنم. اما در عمل جیمز و کارن در خلق این اثر سهیم بوده‌اند.

قول نمی‌دهم که این کتاب پاسخ آسانی به شما ارائه دهد. کار کردن با این سؤالات مستلزم تلاشی سخت است. ده‌ها سال طول می‌کشد. اما یکی از باارزش‌ترین تلاش‌های زندگی‌ام بود. امیدوارم تئوری‌های این کتاب بتواند در ادامه سفر به شما کمک کند. تا در پایان بتوانید به طور قاطع به این سؤال (زندگی خود را چگونه می‌سنجید؟) پاسخ دهید.



فصل اول

فقط چون پروبال داری...

انسان‌های زیادی هستند که همراه با حسن‌نیت، توصیه‌هایی برای چگونه زندگی کردن، انتخاب شغل یا شاد بودن دارند. تقریباً در هر کتاب‌فروشی که وارد بخش خودیاری آن شوید، با انتخاب‌های زیاد غرق خواهید شد. انتخاب در مورد کتاب‌هایی که می‌گویند، چگونه می‌توانید زندگی خود را بهبود ببخشید. شما به طور شهودی می‌دانید، همه این کتاب‌ها نمی‌توانند درست باشند. اما چگونه می‌توان آن‌ها را از هم جدا کرد؟ چگونه می‌دانید نصیحت خوب و بد چیست؟

چطور زندگی خود را اندازه بگیریم؟

تفاوت بین آنچه فکر می‌کنیم و چگونه فکر می‌کنیم

هیچ پاسخ آسانی برای چالش‌های زندگی وجود ندارد. تلاش برای یافتن خوشبختی و معنای زندگی، موضوع جدیدی نیست. انسان‌ها هزاران سال است که به دنبال دلیل خلقتشان می‌گردند.

با این حال، موضوع جدید این است که برخی از متفکران مدرن چگونه به این مشکل رسیدگی می‌کنند. گروهی از کارشناسان، به سادگی پاسخ‌ها را ارائه می‌دهند. جای تعجب نیست که این پاسخ‌ها برای برخی بسیار جذاب است. آن‌ها مشکلات سختی را در نظر می‌گیرند. مسائلی که مردم نمی‌توانند یک زندگی کامل را بدون حل‌کردنشان پشت سر بگذارند و یک راه‌حل سریع ارائه می‌کنند.

هدف من از کتاب، این نیست. هیچ راه‌حل سریعی برای مشکلات اساسی زندگی وجود ندارد. اما من می‌توانم ابزارهایی را پیشنهاد دهم (در این کتاب آن‌ها را نظریه می‌نامم) که به شما بسیار کمک می‌کند. مواردی که سبب می‌شود انتخاب‌های خوبی، متناسب با شرایط زندگی خود داشته باشید.

در سال ۱۹۹۷ قدرت این رویکرد را متوجه شدم. قبل از انتشار اولین کتابم (معمای مبتکر^{۱۵}) با اندی گروو^{۱۶}، رئیس وقت شرکت اینتل^{۱۷} تماس گرفتم. او درباره یکی از مقالات آکادمیک اولیه‌ام در مورد نوآوری مخرب شنیده بود. از من خواست که به سانتا کلارا^{۱۸} بروم تا تحقیقاتم را برای او و تیم ارشدش توضیح دهم. همچنین بگویم که چه مفهومی برای اینتل دارد.

15 The Innovator's Dilemma

16 Andy Grove

17 Intel

18 Santa Clara

فقط چون پروبال داری . . .

من با هیجان به سیلیکون ولی^{۱۹} پرواز کردم و در زمان مقرر حاضر شدم. اما اندی گفت: «ببین، مواردی اتفاق افتاده است. ما فقط ده دقیقه برای شما وقت داریم. به ما بگویید تحقیقات شما برای اینتل چه معنایی دارد و سپس به کارمان ادامه می‌دهیم».

پاسخ دادم: «اندی، نمی‌توانم. زیرا اطلاعات کمی در مورد اینتل دارم. تنها می‌توانم در ابتدا تئوری را توضیح دهم. سپس از دریچه‌ای که این رویکرد ارائه می‌دهد به شرکت نگاه می‌کنیم؛ بنابراین نموداری از نظریه اختلال خود، به او نشان دادم. توضیح دادم، این خلل زمانی اتفاق می‌افتد که یک رقیب با محصول یا خدماتی ارزان‌قیمت وارد بازار می‌شود. معمولاً بیشتر فعالان صنعت آن را پایین‌تر می‌دانند. اما رقیب جدید از فناوری و مدل تجاری‌اش استفاده می‌کند. سپس به طور مستمر عرضه خود را بهبود می‌بخشد. تا زمانی که به اندازه کافی خوب باشد و نیاز مشتریان را برآورده کند. ده دقیقه بعد از توضیح من، اندی با بی‌حوصلگی حرفم را قطع کرد و گفت: «ببین، من مدل شما را دارم. فقط به ما بگویید چه معنایی برای اینتل دارد».

گفتم: «اندی، من هنوز نمی‌توانم. باید توضیح دهم که این فرایند، چگونه در صنعت بسیار متفاوتی انجام شد. سپس می‌توانید نحوه عملکرد آن را تجسم کنید». داستان صنعت فولادسازی را تعریف کردم. در این داستان، شرکت نوکور^{۲۰} و سایر کارخانه‌های کوچک فولاد، غول‌های یکپارچه کارخانه فولاد را مختل کردند. تولیدی‌های کوچک، کار خود را با حمله به پایین‌ترین سطح بازار میل‌گرد فولادی شروع کردند. سپس گام‌به‌گام به

19 Silicon Valley

20 Nucor

درباره نویسندگان

کلیتون ام. کریستنسن، استاد کیم بی کلارک در مدرسه بازرگانی هاروارد است. او نویسنده هفت کتاب، پنج بار دریافت جایزه مک‌کینزی برای بهترین مقاله بررسی کسب و کار هاروارد و بنیان‌گذار چهار شرکت از جمله شرکت مشاوره نوآوری اینوسایت است. در سال ۲۰۱۱ در رتبه‌بندی دوسالانه‌ای که توسط تینکرز ۵۰۰ انجام شد، او تأثیرگذارترین متفکر تجاری جهان معرفی شد.



جیمز آل ورث، بومی استرالیا، فارغ‌التحصیل مدرسه بازرگانی هاروارد است. او در آنجا به‌عنوان محقق بیکر و دانشگاه ملی استرالیا انتخاب شد. او قبلاً در شرکت‌های بوز اند کامپنی و اپل کار می‌کرد.



کارن دیلون تا سال ۲۰۱۱ سردبیر مجله بررسی کسب و کار هاروارد بود. او فارغ‌التحصیل دانشگاه کرنل و دانشکده روزنامه‌نگاری مدیر دانشگاه نورث وسترن است. در سال ۲۰۱۱ او توسط آشوکا به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین و الهام‌بخش‌ترین زنان جهان معرفی شد.



چطور زندگی خود را اندازه بگیریم؟

دیگر آثار کلیتون ام. کریستنسن

- معضل نوآور
- راه‌حل نوآور
- دیدن آنچه در ادامه رخ می‌دهد
- نسخه نوآور
- برهم‌زدن کلاس
- DNA نوآور
- دانشگاه نوآوری

کتاب‌های زیر هم ممکن است برای شما جذاب باشد!

برای اطلاع از زمان چاپ و ارسال آن در زمان چاپ،
کافی است این کد را اسکن کنید.



تشکیل، راه‌اندازی و مدیریت هلدینگ‌ها علی اصغر انواری، ناصر آخوندی، رسول طهماسبی	معجزه هلدینگ‌ها
جنبه‌های بانکداری شرکتی (اعطای وام و مدیریت پول نقد گرفته تا امور مالی تجارت و ارز) رامامورثی ناتاراجان	بانکداری شرکتی
چارچوب عملی برای بهبود فرایندهای تصمیم‌گیری و ایجاد ارزش کارل اسپتزلر، هانا وینتر و جنیفر مایر	کیفیت تصمیم
راهنمای غلبه بر شک و تردید نسبت به خود، مقاومت و ترس و ایجاد یک زندگی هدفمند و با رضایت استیون پرسفیلد	حرفه‌ای شدن
راهنمایی است برای فهمیدن تا بدانیم از چه‌ها باید اجتناب کرد و به چه‌ها باید تشبث جست امیرعلی موسی‌خانی	عصر مفهومی اقتصاد
پتانسیل مالی اجتماعی برای پرداختن به نابرابری اقتصادی، پایداری زیست محیطی و عدالت اجتماعی رولاند بندیکتر و رولاند هاسنر	بانکداری اجتماعی
تعیین و دستیابی به اهداف خود با استفاده از OKR (اهداف و نتایج کلیدی) Weekdone	OKR گام به گام تا اهداف و نتایج کلیدی
از مجموعه هوش هیجانی اچ‌بی‌آر دنیل گلنن	تمرکز
با اشتیاق در کار و زندگی، معمولی را به خارق‌العاده تبدیل کنید مارک سانپورن	اشتیاق

